

آیا در جرم غیر عمدی معاونت قابل تصور است ؟

این بحث مشتمل بر مطالب ذیل خواهد بود :

مقدمه ، در جرم غیر عمدی معاونت قابل تصور نیست ، در جرم غیر عمدی معاونت قابل تصور است کدامیک از این دو نظر درست است ؟

الف - مقدمه - در آغاز این بحث ناچار باید دانست که هیچ جرمی خواه عمدی و خواه غیر عمدی بی دخالت اراده قابل وقوع نیست و هر عمل ناقص قانون جزا که از روی اراده و خواسته عامل واقع نشود یعنی مثلاً ناشی از (فوری تاثیر) یا اجبار عامل باشد بالاتفاق جرم و قابل مجازات نیست مثل اینکه ترمز اتومبیلی در سراسیمگی نندی ترمز نگردد و اتومبیل علی رشم را راننده بطرف پائین بلغزد و کسی را مقتول یا مجروح کند در صورتیکه این اتفاق ناشی از عیب فنی اتومبیل یا بی احتیاطی و عدم مهارت راننده یا مخالفت با نظامات دولتی نباشد و صرفاً سولود فوری تاثیر باشد جرمی واقع نشده است و این یک امر معقول و طبیعی است چه در این فرض وقوع حادثه نه با اراده و خواسته راننده بوده و نه دفع آن در حیظه قدرت او و نه بی احتیاطی و سهلانگاری او سرزده است که بدان علت مستوجب کیفر باشد .

ولی دخالت اراده در جرائم عمدی و غیر عمدی یکسان نیست .

در جرائم عمدی عمل و نتیجه آن هر دو سولود اراده و خواسته عامل است مانند قتل و سرقت که هم تیراندازی و ربودن مال و هم کشنده شدن یعنی عمدی تماماً سولود اراده و خواسته عامل است که نتیجه آن مثلاً در تصادف رانندگی که بر اثر سرعت غیرمجاز اتومبیل عابری کشنده میشود عمل راننده اتومبیل با سرعت غیرمجاز سولود اراده و خواسته راننده بوده است ولی نتیجه آنرا که قتل عابر باشد نتیجه خواسته است .

پس عنصر معنوی در جرائم عمدی اراده معطوف بمقصودی است که

از طرف قانون جزا منع شده است و آنرا اصطلاحاً سوء نیت میگویند و در سواد قانونی بعمد و علم و قصد نیز تعبیر شده و همه بیک معنی است.

سوء نیت بر چند نوع است و هر جرم عمدی مستلزم نوعی سوء نیت است و بحث در این موضوع در این مقال نمی‌گنجد.

عنصر معنوی در جرائم غیر عمدی خطاست. مانند اسور پیش بینی شده در ماده ۱۷۷ قانون جزای عمومی یعنی بی احتیاطی و بی مبالائی و اقدام بکاری که عامل در آن مهارت نداشته و عدم رعایت نظامات آنگون که جرم عمدی را از جرم غیر عمدی باز دانستیم به بینیم که آیا در جرائم غیر عمدی معاونت قابل تصور است یا نه. در این باره دو نظر موجود است بعضی جرم غیر عمدی را قابل معاونت میدانند و برخی آنرا قابل معاونت میدانند و اینک بیان هر یک از این دو نظر:

ب- معاونت در جرم غیر عمدی قابل تصور نیست. بعضی از نویسندگان حقوق جزا برای توجیه این نظر میگویند که یکی از ارکان معاونت سوء نیت است و باوصف آنکه در جرم غیر عمدی سوء نیت وجود ندارد چه گونه ممکن است معاون آن دارای سوء نیت باشد و هر گاه بخواهیم این استدلال را بسط و تنویر کنیم میتوان گفت که مفهیم معاونت تعریک یا کمک و یاری کردن دیگری است در انجام کاری و عتلاً چنین عملی بر آنکه عامل از امری که میخواهد در انجام آن معاونت کند اطلاع داشته باشد ممکن نیست و چون در جرم غیر عمدی مجرم اصلی نیز از وقوع جرم اطلاع ندارد چه گونه ممکن است دیگری در ارتکاب آن جرم او را معاونت کند؟ از این گذشته یکی از شرایط معاونت وحدت قصد میان مجرم اصلی و معاون است و با آنکه در جرم غیر عمد مجرم اصلی قصد ارتکاب جرم را ندارد وحدت قصد مزبور موضوعاً منتفی است.

ج- معاونت در جرم غیر عمدی قابل تصور است. شعبه جزائی دیوان کشور فرانسه که از دیرباز معتقد بود جرم غیر عمدی نمیتواند معاون داشته باشد در سالهای اخیر ضمن چند رأی معاونت مزبور را پذیرفته است.

حکمی نیز بشماره ۲۷۴ مربوط بسال ۱۳۰۶ از شعبه پنجم دیوان کشور ایران در دست است بدین مضمون: «در جرائم غیر عمدی معاونت به همین قدر صادق میکنند که با علم و اطلاع باینکه شخص در کار مهارت ندارد یا آن کار برخلاف نظامات یابی احتیاطی است و ممکن است منجر بحادثه خطرناکی شود با آن شخص

معاونت کند بنابراین اگر راننده‌ئی رل ماشین را بشاگرد خود که میدانسته پروانه ندارد و از رانندگی بی اطلاع است بدهد و در نتیجه منجر بقتل غیر عمد شود عمل معاونت در جرم مشمول ماده ۱۷۷ قانون کیفر عمومی خواهد بود. « ولی تصور می‌رود این رأی از دیوان کشور ایران جنبه استثنائی داشته و عقیده غالب بر عدم قبول معاونت در جرائم غیر عمدی است.

بعنیده پروفیسور فلور استاد دانشکده حقوق پاریس نیز علم اجمالی معاون بدملی که منتهی بجرم غیر عمدی میشود کافی برای تحقیق معاونت در جرم مزبور است.

د - آیا کدامیک از این دو نظر درست است؟ بنظر نگارنده پاسخ این سؤال که آیا معاونت در جرم غیر عمدی قابل تصور است مثبت است ولی برای اینکه در این باره بیک نتیجه قانع کننده‌ئی برسیم لازم است قضیه را از صورت کلیت خارج نموده و به بینیم موارد معاونت در قانون جزا کدام است و در هر مورد حکم قضیه چیست.

بموجب ماده ۲۸ قانون جزای عمومی: « اشخاص ذیل معاون مجرم محسوبند:

۱ - کسانی که باعث و محرک فعلی شوند که منشاء جرم است و بواسطه تحریک و ترغیب آنها آن فعل واقع شود.

۲ - کسانی که تبانی بر ارتکاب جرم کرده و بواسطه تبانی آنها آن جرم واقع میشود.

۳ - کسانی که با علم و اطلاع از حیث تهیه و تدارک آلات و اسباب جرم یا تسهیل اجرای آن یا بهر نحو با مباشر جرم کمک کرده اند.

چنانکه روشن است از هیچیک از عبارات این ماده لزوم سوء نیت در مطلق معاونت استفاده نمیشود تا گفته شود شرط تحقق معاونت سوء نیت است و در نتیجه جرائم غیر عمدی معاونت بردار نیستند.

اکنون موارد مختلف معاونت را که در این ماده پیش بینی شده است از جهت مورد بحث بررسی میکنم:

۱ - دومین مورد معاونت که در ماده ۲۸ پیش بینی شده تبانی بر ارتکاب جرم است باین معنی که چند نفر توطئه در ارتکاب جرمی نمایند و آن جرم بر اثر

توطئه مزبور بوسیله بعضی از توطئه کنندگان یا اشخاصی از خارج واقع شود کسانیکه در توطئه شرکت داشته ولی باصل عمل نپرداخته اند معاون جرم محسوب میشوند. پیداست که این نوع معاونت در جرم غیر عمدی معقول و ممکن نیست چه تبانی و توطئه بر ارتکاب جرم باسوه نیت تبانی کنندگان ملازمه عقلی دارد و چنین کیفیتی در جرائم غیر عمدی خلاف فرض بوده و عقلا ممتنع است.

۲ مورد دیگر از موارد معاونت کومک بمباشر جرم از حیث تهیه و تدارک آلات و اسباب جرم یا تسهیل اجرای آن بهر نحو با علم و اطلاع کومک کننده میباشد.

در این مورد نیز چون علم و اطلاع کمک کننده باینکه بمباشر جرم کمک میکند شرط معاونت میباشد و در جرائم غیر عمدی، چنین شرطی نمیتواند وجود پیدا کند باید پذیرفت که این نوع معاونت نیز نمیتواند در جرائم غیر عمدی وجود داشته باشد مگر آنکه معاونت از این طریق نسبت بعملی بشود که بظن قریب بیقین منتهی به جرم خواهد گردید. توضیح آنکه گاهی عملی که منتهی بوقوع جرم میگردد بکیفیتی است که عامل نتیجه عمل را که جرم است نمیخواسته ولی آنرا پیش بینی میکرده است مثل آنکه کسی اتومبیل بی ترمزی را در خیابان پر جمعیتی براند و بواثر آن قتل یا جرح غیر عمدی واقع شود. در این فرض که احتمال اینکه اتومبیل بی ایجاد سانحه‌ئی از جمعیت بگذرد بسیار ضعیف و ناچیز و بعکس وقوع حادثه خیلی قوی و نزدیک بیقین است. اگر چه راننده نتیجه عمل رانندگی را که جرح یا قتل بوده نمیخواسته ولی آنرا پیش بینی کرده است.

پس در این فرض گذاشتن اتومبیل بی ترمز در اختیار راننده یا دادن اتومبیل بکسی که از رانندگی اطلاعی ندارد برای عبور از یک گذرگاه پر جمعیت و وقوع قتل غیر عمد بواثر آن شاید بتواند معاونت در جرم مزبور تلقی گردد زیرا احتمال وقوع جرم بعدی قوی است که میتوان گفت تهیه کننده وسیله با علم باینکه به مجرمی کمک میکند باو کمک کرده است و عبارت دیگر تهیه کننده وسیله و راننده در این دو مثال هر دو وقوع جرم را پیش بینی میکرده و در ترصد حادثه نیز وحدت نظر داشته اند شاید رأی شعبه پنجم دیوان کشور نیز که در بالا بان اشاره کردیم ناظر باینگونه موارد باشد ولی باید دانست که چنین جرائمی دیگر بتمام معنی جرم غیر عمدی نبوده و از موضوع این بحث خارج است و در حقوق جزا در اینگونه

اعمال میگویند عامل دارای سوء نیت اتفاقی DoIeventuel میباشد و در قانون بعضی کشورها از جمله آلمان چنین جرمی جرم عمدی شناخته شده است و چون چنین نصی در قانون ما وجود ندارد باید بگوئیم اینگونه اعمال حد میانه جرم عمدی و جرم غیر عمدی است یعنی از آن جهت که عامل نتیجه را نمیخواسته است شبیه بجرم غیر عمد و از آن جهت که نتیجه را پیش بینی نمیکرده است شبیه بجرم عمدی است و بهمین دلیل است که در قانون تشدید مجازات رانندگان « هر عمل که احتمال وقوع جرم قوی تر بوده مجازات شدیدتر تعیین شده است تا درجه جنایت»

۳ - سومین مورد از موارد معاونت بموجب ماده ۲۸ قانون جزای عمومی تحریک است و بنظر نگارنده این نوع معاونت مطلقاً در جرائم غیر عمدی ممکن است زیرا بموجب بند اول از ماده ۲۸ کسی که باعث و محرک عملی شوند که منشاء جرم است و بواسطه تحریک و ترغیب آنها آن فعل واقع شود معاون شناخته میشوند و در موردی که مثلاً صاحب اتومبیلی راننده اش را تشویق و تحریک و حتی امر کند که اتومبیل را در جهت ممنوع یا بیش از سرعت مجاز براند و راننده بر اثر آن اقدام نماید و جرم غیر عمدی واقع شود با کمال وضوح صادق است که عملی که منشاء جرم بوده یعنی رانندگی بتهریک صاحب اتومبیل بوده و بموجب نص این ماده صاحب اتومبیل معاون جرم محسوب میگردد. بعبارت دیگر بند ۱ ماده ۲۸ کسی را معاون جرم میدانند که محرک و باعث فعلی شود که منشاء جرم بوده و در این مثال فعلی که منشاء قتل یا جرح غیر عمدی بوده رانندگی در جهت ممنوع یا سرعت غیر مجاز است که بتهریک و امر صاحب اتومبیل واقع شده پس بصراحت قانون صاحب اتومبیل معاون جرم مزبور محسوب میشود در این فرض محرک با علم و اطلاع باینکه عملی که عامل را بارتکاب آن تحریک نمود خلاف نظامات و متضمن بی احتیاطی است اقدام نموده و در ارتکاب آن عمل نیز با عامل و حدت قصد دارند و از جهات مزبور برای قبول معاونت محرک اشکالی نیست و عنصر معنوی معاونت همانطور که در جرم اصلی خطای ناشی از راندن اتومبیل در جهت ممنوع یا سرعت غیر مجاز باشد خطای ناشی از تحریک راننده بعمل مزبور است. از اینها گذشته بی شک محرک در ایجاد حادثه سهم بیشتری داشته و عدالت اقتضا نمیکند که او را بی کیفر بگذارند.

ممکن است گفته شود بند اول ماده ۲۸ تحریک بفعلی که منشاء جرم

است بشرطی معاونت آن جرم میداند که تحریک کننده علم داشته باشد که آن فعل منشاء جرم خواهد بود و در مقام تحریک بعملی که ممکن است منشاء جرم غیر عمدی واقع شود وجود چنین علمی برای تحریک کننده منتفی است.

ولی در حقیقت این ایراد وارد نیست چه هرگاه چنین شرطی منظور نظر قانونگذار می بود همانگونه که در بند سوم ماده ۲۸ تصریح گردیده بآن تصریح می نمود بعلاوه حسب الفرض در چنین مواردی محرک ممنوع بودن عملی که مورد تحریک قرار میدهد (راندن در جهت ممنوع یا سرعت غیر مجاز) علم دارد و علم مزبور کافی است که منشاء خطائی که رکن معنوی معاونت را تشکیل میدهد باشد و بالجمله چون در شان مفروض قتل غیر عمد مستقیماً معلول راندن در جهت ممنوع یا سرعت غیر مجاز میباشد و عمل مزبور نیز معلول تحریک محرک است بطور غیر مستقیم قتل غیر عمد معلول عمل تحریک بوده و این معنی چیزی جز معاونت نیست.

در پایان گفتار نتیجه ای که از این بحث میگیریم این است که اولاً در مورد بند اول ماده ۲۸ قانون جزای عمومی مطلقاً و شاید بتوان گفت در بعضی از صور بند ۲ آن ماده بشرحی که گذشت معاونت در جرایم غیر عمدی قابل تصور است ثانیاً علاوه بر آنکه متن قانون با این تفسیر مساعد است با توسعه زندگی ماشینی و افزایش وسایل نقلیه و تصادفات رانندگی چنین تفسیری قرین مصلحت اجتماع و سازگار با روح حقوق جزای جدید است.